

رد انکار کننده‌ی توحید اسماء و صفات

مؤلف: عبدالرحمن عبدالخالق

ترجمه و تخریج احادیث:

پدرام اندایش

رد انکار کننده‌ی توحید // 1

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم:

به نام الله و به یاد الله و برای الله.
مطلبی کوتاه است درباره‌ی اثبات
توحید اسمها و صفات الله تعالی. برای
یادگیری توحید اسمها و صفات الله
تعالی می‌توانید به کتب نوشته شده در
این زمینه مثل: اسماء و صفات
خداوند متعال، چاپ نشر احسان
رجوع کنید و این کتاب مختصر، فقط

2// رد انکار کننده‌ی توحید

برای اثبات درست بودن توحید مدی است که به توحید اسمها و صفات الله تعالی نامیده می‌شود. از آنجا که تقلید در اصول دین در هیچ مذهبی جایز نیست، این کتاب را به تمام فارسی زبانان جهان تقدیم می‌کنم تا برگ برنده‌ای برای من و آنان، در دنیا و آخرت باشد. همان طور که گفتم برای شناخت توحید اسمها و صفات الله تعالی باید به کتابهای مربوطه در این زمینه رجوع شود، ولی به طور

رد انکار کننده‌ی توحید // 3

اختصار نکاتی را یاد آور می‌شوم: از آنجا که الله تعالی می‌فرماید: ﴿... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...﴾ [الشوری: 11] هیچ چیز به مانند او نمی‌باشد. وقتی در حدیثی گفته می‌شود: دست یا پای الله تعالی و یا هر عضو دیگر از وی، ما نباید آن را به صورت دست انسان و یا دست هر موجود دیگری تجسم کنیم، آن چیزی است که تنها اسم آن دست است ولی هیچ شباهتی به دست موجودات دیگر ندارد و فکر کردن

4// رد انکار کننده‌ی توحید

زیاد به این که دست الله تعالی به چه شکلی است، باعث هلاکت می‌شود، زیرا ما تصویری از دست در فرمان داریم و آن را به الله تعالی نسبت می‌دهیم، پس الله تعالی دارای دو چیز است که به آن دست گفته می‌شود، ولی این نوع دست فقط برای الله تعالی است و ان شاء الله که از اهل بهشت شویم و الله تعالی را در آخرت

رد انکار کننده‌ی توحید // 5

بیندیم که بزرگترین نعمت بهشت
رویت الله تعالی می‌باشد¹. همان طور
که گفتم، فکر کردن درباره‌ی صفات
باعث هلاکت می‌شود، ولی اگر انسان
فطریی باشیم، می‌توانیم شوق دیدار او

¹ - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه
می‌توانید به کتاب بزرگترین نعمت بهشت
رویت خداوند در سایه
www.aqeedeh.com رجوع

6// رد انکار کننده‌ی توحید

را در قلب حس کنیم و آن را تقویت کنیم تا سببی برای انجام کارهای خیر بیشتر و دوری از کارهای شرّ شود. نکته دیگر این است که ما برداشتی از قرآن را قبول می‌کنیم که پی‌امبر ﷺ و صحابه رضی الله عنهم و تابعین رحمهم الله این برداشت را از قرآن داشته‌اند، یعنی مفهوم کلام وحی را فقط از کسانی قبول می‌کنیم که آنها یا مثل پی‌امبر ﷺ، وحی به قلب آنها نازل شده باشد و یا مثل صحابه رضی الله عنهم کلام وحی را از منبع

رد انکار کننده‌ی توحید // 7

آن که همان پی‌امبر ﷺ می‌باشد، شنیده‌اند. باید گفت: که نه پی‌امبر ﷺ فرمود که دست یعنی قدرت و نه صحابه رضی الله عنهم و نه تابعین رحمهم الله و چه بسا که در قرآن لفظ دو دست آمده است و اگر دست به معنای قدرت باشد، الله تعالی دارای یک قدرت لایتناهی است و نه دو قدرت. همچنین آنان این صفات را تعطیل نکردند، یعنی آن را انکار نمودند. و

8//رد انکار کننده‌ی توحید

سلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین.

مقدمه‌ی مؤلف:

شکر و ستایش برای الله تعالی است
که خودش را توسط وحی بر
پیامبرانش به بندگان شناساند، استوار
بودن آسمانها و زمین از بزرگی قدرت
وی و آفرینش فی البدایه‌ی وی است،
درباره‌ی خودش در کتابش می‌فرماید:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (3) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

رد انکار کننده‌ی توحید // 9

أَحَدٌ (4) ﴿﴾ [اخلاص] (بگو او الله [در
ذات و مقام عبادت شدن و صفاتش]
یکتاست * تمامی موجودات به وی
نیاز دارند * نزاییده است و نه زاده
شده است * و هم کف و هم رتبه‌ای
برای وی وجود ندارد). همچنین ثواب
قرائت این سوره را برابر ثواب قرائت
یک سوم قرآن قرار داده است،
خودش را مدح نموده و می‌فرماید:
﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ
جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ

10 // رد انکار کننده‌ی توحید

مَطُويَاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿﴾ [الزمر: 67] (و آنچه‌ان که

حق شناختن الله است او را نشناخته -

اند، تمامی زه بین در روز قیامت در

مشت او خواهد بود و آسمانها با

دست راست او درهم پیچیده می‌گردد

[و] پاک و منزّه و بلند مرتبه‌تر از آنچه

است که شرک می‌ورزند).

صلوات و سلام برای پیامبر هدایت و

رحمت باشد که پروردگارش را به

کاملترین و نیکوترین شکل وصف

رد انکار کننده‌ی توحید // 11

نمود و فرموده است: «اللَّهُ يَقْبِضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَرْضَ وَتَكُونُ السَّمَوَاتُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ» [بخاری: 7412]

(الله در روز قیامت زمین را در مشت خود می‌گیرد و آسمانها در دست راست او خواهد بود، سپس می‌فرماید: [فقط] من پادشاه هستم).

همچنین فرموده است: «يَدُ اللَّهِ مَلَأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ، سَحَاءُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»¹

¹ - صحیح بخاری 4684 و 7411 و

12// رد انکار کننده‌ی توحید

(دست الله، پُر است و انفاق، چیزی از آن، کم نمی‌کند. او شب و روز می‌بخشد). همچن بین فرموده است: «ترکتکم علی المحجة لایزیغ بعدی الا هالک»¹ (شما را در راهی ترک نمودم، بعد از من کسی از آن منحرف نمی‌شود، مگر آن که هلاک می‌شود).

7419؛ صحیح مسلم 2356؛ سنن ابن

ماجه 197.

¹ - سنن ابن ماجه 44؛ صححه آل‌بانی.

رد انکار کننده‌ی توحید // 13

اما بعد:

از نوار کاستی شنیدم که می‌پنداشت
توحید اسمها و صفات نزد سلف امت
شناخته شده نبود؛ این نوع توحید از
امور فرعی می‌باشد که جهل به آن
ضرر نمی‌رساند و جایز نیست برای
آن کوشش نمود؛ این چنین است که
این سخن دین را از اساس ویران
می‌کند؛ وقتی عقیده ویران می‌گردد،
اصل دین ویران می‌گردد که بقیه‌ی
دین از آن نشأت می‌گیرد. افراد جاهل

14 // رد انکار کننده‌ی توحید

ببین توحید و شرک، و خالق و مخلوق، و اهل ایمان و اهل کفر، فرق نمی‌گذارند؛ به همین دلیل برای خودم واجب دانستم که امانت و پیمانی را که الله تعالی بر هر بنده‌ای که به او علم داده است واجب گردانده است را به انجام برسانم و آن این است که آن به مردم رسانده شود و پوشیده نماند، همان گونه که الله جل و علاهی - فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ

رد انکار کننده‌ی توحید // 15

لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُوتِيكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ
وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿ [البقرة: 159]

(همانا کسانی که می‌پوشانند آنچه را
که ما از روشنی‌ها و هدایت نازل
فرمودیم، بعد از آن که آن را برای
مردم روشن نمودیم، آنان کسانی
هستند که الله ایشان را نفرین می‌کند و
نفرین کنندگان نیز آنها را نفرین می‌کند -
کنند). برای کنار زدن این باطل و
دفاع از دین الله تعالی و عقیده‌ی
اسلامی، و برای آن که برای این امت

16// رد انکار کننده‌ی توحید

خیرخواهی شود و حق محقق گردد و
باطل نابود گردد، [لین مطلب را
نوشتیم] و الله تعالی کسی است که از او
طلب یاری صورت می‌گیرد.

عبدالرحمن عبدالخالق کویت

شوال سال 1402 هـ

فصل اول:

معنای توحید اسمها و صفات

چیست؟

بدیهی است که توحید اسمها و صفات

از ضروریات دین است:

وقتی بدیهی است که توحید اسمها و

صفات از ضروریات دین است و آن

اصل دینِ اصیل می‌باشد و هدف

نهایی توحید است، نتیجه گرفته می‌-

شود که شناخت توحید اسمها و

صفات از مهمترین علوم می‌باشد و

18 // رد انکار کننده‌ی توحید

انتهای خواستها قرار دارد، بر اساس این شناخت است که ایمان صحیح و توحید خالص برپا داشته می‌شود؛ توحید اسمها و صفات همانی است که به ثبت رساندن چیزی است که الله تعالی آن را برای خود به ثبت رسانده است و همچنین فرستاده‌اش آن را برای او به ثبت رسانده است و نفی نمودن صفاتی است که وی عَزَّ وَجَلَّ آن را از ذات سبحان و تعالایش نفی کرده است و همچنین فرستاده‌ی وی آن را

رد انکار کننده‌ی توحید // 19

نفی نموده است؛ این قسمتی از اقسام توحید است و شکی نیست که آن بالاترین و اولی‌ترین و مهمترین قسمت آن است؛ زیرا آن بر اساس علم صحیح و سالم نسبت به الله تعالی می‌باشد و توسط آن ایمان صحیح شکل می‌گیرد و ایمان بدون علم هیچ وقت ایجاد نمی‌گردد، شناخت صفات الله تعالی اساس ایمان است و شکی نیست که توحید اسمها و صفات شامل‌تر و عام‌تر از توحیدی است که

آن را ربوبیت^۱ و الوهیت^۲ می‌نامیم؛
زیرا علم به وجود الله تعالی و معبود
حق بودن وی، کسی که عبادت
پرستش شونده‌ی دیگری جز او جایز
نمی‌باشد و عبادت فقط بلید برای او

¹ - توحید ربوبیت، توحید در پروردگار
بودن الله تعالی است، به عبارتی یکتا
دانستن الله تعالی در خلق نمودن،
پادشاهی و تدبیر. (مترجم)

² - توحید الوهیت، یگانه بودن در مقام
پرستش شدن و بندگی می‌باشد. (مترجم)

رد انکار کننده‌ی توحید // 21

سبحانه و تعالی باشد، قسمتی از توحید اسمهای الله تعالی و صفاتش می‌باشد؛ همچنین ایمان به ربوبیت الله تعالی و آن که او خالق و پدید آورنده و به تصویر کشاننده می‌باشد نیز [قسمتی از توحید اسمها و صفات الله تعالی می‌باشد]... تمامی این موارد جزئی از توحید اسمها و صفات می‌باشند، به همین دلیل توحید ربوبیت، قسمتی از توحید اسمها و صفات می‌باشد و این به آن معناست که توحید

22 // رد انکار کننده‌ی توحید

اسمها و صفات دارای شمولیت بیشتر
و عام‌تر از توحید الوهیت و ربوبیت
می‌باشد.

به لیدن نام نهادن لیدن اسمها و
اصطلاحات، نه توسط الله تعالی
صورت پذیرفته است و نه توسط
فرستاده‌اش ﷺ و این امر توسط علمای
سلف رضوان الله علیهم صورت گرفته
است و این امر از بدعت‌های ایجاد شده
نمی‌باشد، بلکه از تقسیمات علمی
است که شناخت را آسان می‌کند،

رد انکار کننده‌ی توحید // 23

همان گونه که گفته می‌شود: علم تفسیر، یا اصول تفسیر، علم الحدیث، مصطلح حدیث، فقه، اصول فقه و علم توحید؛ تمامی این موارد نه در قرآن آمده است و نه در سنت؛ شناخته نشده است که رسول این امت، آنان را به این شکل تقسیم نموده باشد و به طور مثال درسی از تفسیر به آنها داده است و یا در حدیث و یا در سیره... علم شرعی یک امر بیشتر نمی‌باشد و این اقسام و فرع قرار دادن‌ها و

اصطلاحات برای آن است که آموختن علوم دین آسانتر صورت پذیرد، لاین چنین است وضع ما در توحید اسمها و صفات، و توحید ربوبیت و توحید الوهیت؛ آنان قسمتهایی از یک علم می‌باشند و شامل مسائل ایمان به الله تعالی هستند؛ از آنجا که ایمان به الله تعالی دارای قسمتهای زیادی می‌باشد، به همین دلیل علماء به لاین اصطلاحات نیاز پیدا می‌کنند و هی - گویند: توحید اسمها و صفات، توحید

رد انکار کننده‌ی توحید // 25

الوهیت و توحید ربوبیت و همچنین کسانی هستند که می‌گویند: توحید حاکمیت؛ این اصلاحات در بین مسلمانان نشر پیدا کرده است که بین امور دین و امور دنیا فرق بگذارند و این پندار آشکار گردد که مسلمانان بین آنچه الله تعالی در شرع حکمت نموده است با غیر از آن جدا شود؛ یکی از علمای محدث گفته است: ایمان به الله تعالی حکم می‌نماید که ایمان آورده شود که قانون گذاری

ممکن نمی‌باشد، مگر توسط الله تعالی:

﴿إِلَّا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾ [الاعراف: 54]

(آگاه باشید که آفرینش و امر نمودن

فقط برای او است)، همچنان **می** -

فرماید: ﴿وَاللَّهُ يَحْكُمُ لِمَا مَعَقَّبَ

لِحُكْمِهِ﴾ [الرعد: 41] (و الله فرمان

می‌دهد و مانعی برای حکم دادن و

فرمان دادن او وجود ندارد)، با رجوع

به این آیات و آنچه به آنها شباهت

دارد، نوعی جدید از توحید نامگذاری

شده است که توحید حاکمیت نامیده

رد انکار کننده‌ی توحید // 27

می‌شود و این نامگذاری فقط برای آن است تا این امر راحت‌تر شناخته شود و هدف از آن بدعتگذاری نمی‌باشد، بلکه آن فقط یک اصطلاح شرعی است، تا معنای مورد نظر را به فکر نزدیکتر نماید و برای توضیح دادن درباره‌ی علوم و آشکار کردن منظور عالم می‌باشد.

همان‌گونه که در قبل بیان شد، توحید اسمها و صفات دارای شمولیت بیشتر و عام‌تر از بقیه‌ی انواع توحید است،

بلکه تمامی انواع توحید، قسمتی از آن می‌باشند و معنای آن این است که ایمان آورده شود به تمامی آنچه الله تعالی خود را به آن توصیف نموده است و یا آن که فرستاده‌اش صلی الله علیه و آله آن را برای او به ثبت رسانده باشد و علمای سلف این نوع توحید را توحید اسماء و صفات نامیده‌اند؛ در این هنگام است که در بین مسلمانان شایع شده است که آنچه در صفات الله تعالی آمده است را اگر با عقل [ناقصشان]

رد انکار کننده‌ی توحید // 29

پذیرفته شود، قبول می‌کنند و غیر آن را رد می‌نمایند و صفات زی‌مادی هستند که زنادقه آنها را رد می‌کنند و کسانی که این فهم را درست کرده‌اند و قبل از آنها بوده‌اند، مانند: جهمیّه، معتزله، اشعری و غیر آنها آنان را رد می‌کنند، صفاتی به مانند: غضب و رضایتمندی، خوشحالی و خندیدن، دوست داشتن و بغض ورزیدن و خشمگین شدن، همچنین صفات بالا بودن و استقرار بر عرش و نازل شدن

30 // رد انکار کننده‌ی توحید

به آسمان دنیا، همچنین صفات دست، پا، ساق و انگشتان را انکار می‌کنند و می‌گویند: قرار دادن این صفات برای الله تعالی حکم می‌کند که او به چیزی تشبیه شود و یا جسم برای او در نظر گرفته شود؛ این در حالی است که این صفات برای الله سبحانه و تعالی در متون قطعی قرآن و سنت به اثبات رسیده است و اینجا جای باز کردن و توضیح دادن این صفات نمی‌باشد و در اینجا فقط دوست داریم که دلیل

رد انکار کننده‌ی توحید // 31

این نامگذاری به توحید اسماء و صفات را بیان داریم، همان چیزی که علمای پیشینیان آن را نوعی از انواع توحید دانسته‌اند که واجب است تا شناخته شود و به آن ایمان آورده شود.

رد نمودن صفتی از صفات الله تعالی، باعث کفر می‌شود:

علمای پیشینیان کسی که صفاتی از صفات الله تعالی که به اثبات رسیده است را رد کند را کافر دانسته‌اند،

32 // رد انکار کننده‌ی توحید

مانند عملی که خالد بن عبدالله امیر ر
واسط وقتی که جعد بن درهم صفت
دوست داشتن و دوستی برای الله
تعالی را انکار نمود، او را در روز عید
قربان به قتل رساند، در حالی که می-
گفت: «ای مردم قربانی کنید و الله
[تعالی] قربانی شما را قبول نماید، من
نیز جعد بن درهم را قربانی می‌کنم،
زیرا او می‌پندارد که الله [تعالی]
ابراهیم [علیه السلام] را به دوستی نگرفته
است»، همچنین امام احمد رحمه الله،

رد انکار کننده‌ی توحید // 33

حکم به کافر بودن جهم بن صفوان را صادر نمود و چیزی که از جهم نشأت گرفت، نفی صفت بالا بودنِ الله تبارک و تعالی بود و امام احمد مطلبی را نوشت که به «الرد علی الزنادقه» مشهور است و کسانی که صفت بالا بودنِ الله تعالی را انکار می‌کنند را زنادقه نامید. امام ابوحنیفه رحمه الله از تمامی آنان، در کافر دانستن کسی که صفتی از صفات الله را انکار نماید، سختگیرتر بود. شرح دهنده‌ی عقیده‌ی

طحاویة از شیخ اسماعیل انصاری در کتابش «الفاروق» با سندش آورده است که مطیع بلخی از امام ابوحنیفه رحمه الله درباره‌ی کسی که بگوید: نمی‌دانم پروردگارم در آسمان است یا در زمین؟ سوال نمود. او گفت: کفر ورزیده است زیرا الله [تعالی] می-فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: 5] ((الله) بسیار رحمت کننده بر عرش استقرار یافت) و عرش او بالای هفت آسمان است.

رد انکار کننده‌ی توحید // 35

می‌گوییم: او بر عرش استقرار دارد، ولی او می‌گوید: نه‌ی دانم عرش در آسمان است یا بر روی زمین؟ گفته است: او کافر است، زیرا انکار کرده است که آن در آسمان است و کسی انکار کند آن در آسمان است، همانا کفر ورزیده است. (شرح الطحاویة ص 322 و 323).

شکی نیست که نفی نمودن صفت داشتن دست، از الله تبارک و تعالی برای کسی که درباره‌ی آن لجبازی

کند، کفر است، زیرا الله تعالی آن را برای خود در آیات بسیاری به ثبت رسانده است، مانند این سخن الله تعالی: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: 67] او آنچنان که حق شناختن الله است او را نشناخته‌اند، تمامی زمین در روز قیامت در مشت او خواهد بود و آسمانها با دست راست او درهم

رد انکار کننده‌ی توحید // 37

پیچیده می‌گردد و پاک و منزّه و بلند
مرتبه‌تر از آنچه است که شرک می‌ورزند).

همچنین الله تعالی به ابلیس فرموده
است: ﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ
تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِيَّ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ
كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ﴾ [ص: 75] (فرمود:
ای ابلیس! چه چیزی تو را منع نمود
تا بر چیزی سجده کنی که با دو

دستم^۱ آن را آفریدم، آیا تکبر می‌ورزی یا [از قبل] از متکبران بودی) و همچنین آیات بس یاری دیگر به آن پرداخته شده است. همچنین در صحیحین از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده

¹ - دقت شود که گفته شده است: دو دست، اگر دست به معنای قدرت باشد، معنای آن می‌شود، دو قدرت و این در حالی است که الله تعالی فقط دارای یک قدرت نامتناهی است. (مترجم)

رد انکار کننده‌ی توحید // 39

است: بزرگی از بزرگان دینی یهود نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای محمد! ما لین گونه یافته‌ایم که الله [تعالی] آسمانها را بر یک انگشت و دو زم بین را بر یک انگشت و درخت را بر یک انگشت و آب و خاک را بر یک انگشت و بقیه‌ی مخلوقات را بر یک انگشت قرار داده است، در این هنگام بود که پیامبر ﷺ خندید تا آن که دندانهایش نمایان شد و لین از روی تصدیق آن بزرگ دینی یهودیان بود،

سپس رسول الله ﷺ قرائت فرمود:

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ

جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا

يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: 67] (و آنچه را که

حق شناختن الله است او را نشناخته -

اند، تمامی زمین در روز قیامت در

مشت او خواهد بود و آسمانها با

دست راست او درهم پیچیده می‌گردد

رد انکار کننده‌ی توحید // 41

و پاک و منزّه و بلند مرتبه‌تر از آنچه
است که شرک می‌ورزند)^۱.

احادیث بسیاری وجود دارد که قابل
شمارش نیستند و صفت داشتن دست
را برای الله سبحانه و تعالی به ثبت
رسانده‌اند، این احادیث در تمامی

¹ - صحیح بخاری 4811 و 7414 و

7415 و 7451 و 7513؛ صحیح مسلم

7223 و 7225 و 7226؛ سنن ترمذی

42 // رد انکار کننده‌ی توحید

کتب حدیث مانند صحیحین و سنن و مسانید موجود می‌باشند...

شکی نیست که کسی که این صفت را نداند، جاهل است و کسی که با آن لجبازی کند، کافر است و ایمان به آن واجب است، همان گونه که ایمان به تمامی صفات الله تعالی واجب است و این ایمان باید بدون تشبیه کردن [به مخلوقات دیگر] یا تحریف صورت پذیرد، همان گونه که مشهور است که کسی از امام مالک سوال نمود:

رد انکار کننده‌ی توحید // 43

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾

[طه: 5] ((الله)) بسیار رحمت کننده بر

عرش استقرار یافت)، لیکن استقرار

چگونه است؟ او گفت: استقرار معلوم

است و ایمان به آن واجب می‌باشد و

سوال نمودن درباره‌ی آن بدعت است!

یعنی کیفیت استقرار را کسی نمی‌داند

مگر الله سبحانه و تعالی؛ استقرار بر

عرش هفت بار در آیات قرآن آمده

است و الله تعالی توسط آن خود را

ستایش نموده است و آن امری ثابت

44 // رد انکار کننده‌ی توحید

شده است و دانستن آن واجب و انکار آن کفر است، ولی کیفیت استقرار را کسی نمی‌داند، مگر الله سبحانه و تعالی. این چنین است داشتن دست، [کیفیت] آن را کسی نمی‌داند، مگر الله تعالی، همان گونه که درباره‌ی خودش جل و علا می‌فرماید: ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ [طه: 110] (و آنان به او (الله تعالی) آگاهی ندارند). ولی ایمان به آنچه الله تعالی توسط آن خود را

رد انکار کننده‌ی توحید // 45

توصیف نموده است بر هر مسلمانی واجب است.

تمامی قرآن بیان صفت الله تعالی است:

گوینده‌ای که در درس دادنش می‌گوید: «قرآن به مقدار کمی صفت الله تعالی را بیان داشته است»، دارای جهلی بزرگ است، زیرا تمامی قرآن صفت الله عَزَّ وَجَلَّ می‌باشد، در آن گاهی به ذات الله تعالی و بیان صفاتش پرداخته شده است یا آن عملی که در خصوص

46 // رد انکار کننده‌ی توحید

دوستانش از رسولان و مؤمنان، انجام می‌دهد؛ این بیان افعال، گرمی داشتن از طرف وی و نیکوکاری وی می‌باشد، گاهی آنچه بر سر دشمنانش می‌آورد را بیان فرموده است و این از صفات وی عَلَيْهِ می‌باشد.

قرآن از اول آن که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می‌شود تا آخر آن که با سوره‌ی الناس تمام می‌شود، تمامی آن بیان صفات الله سبحانه و تعالی هـ می‌باشد.

رد انکار کننده‌ی توحید // 47

سخن گفتن درباره‌ی اصول، خطرناکتر از سخن گفتن درباره‌ی فرعیات است: کسی که درباره‌ی او، در قبل صحبت نمودیم گاهی در فروع فتوا می‌دهد و یا در آن اجتهاد می‌نماید و این گونه می‌بیند که بر او لازم است تا از مجتهدی تبعیت کند یا از عالمی تقلید نماید، برای او توجه به اصول دین و مسائل ایمان اولاتر می‌باشند، زیرا اصول دین و مسائل مربوط به ایمان، دارای خطر بیشتری هستند، زیرا بر

اساس آن کفر و ایمان [در درون
انسان] ساخته می‌شود، پس چگونه
است حال کسی که می‌گوید: پیشینیان
صالح درباره‌ی آن، در سه قرن اولیه،
سخن نگفته‌اند؟!

چه کسی این سخنان را درباره‌ی
علمای مجتهد می‌گوید؟ این در حالی
است که آنان در اموری از دین راضی
نمی‌شوند، مگر آن که آن را از مردی
مانند بن باز بشنوند، ولی آنان از مردم
می‌خواهند تا در امور اعتقادی از

رد انکار کننده‌ی توحید // 49

پدرنشان سوال نمایند و به آنها می‌-
گوید: از پدرانتان پرسید که آیا ایمان
دارند که الله تعالی دارای دست می‌-
باشد یا خیر؟! پاک و منزّه است الله
تعالی، چه شده است که امتهای جاهل
و پدران، مرجعی برای درست بودن
عقیده‌ها و اصول دین می‌باشند؟!!

اسلام غریب آمد و غریب خواهد شد:
از غریب بودن دین این است که هر
کسی درباره‌ی دین سخن می‌گوید و
هر جاهلی در آن فتوا می‌دهد و

50 // رد انکار کننده‌ی توحید

منبرهای آن پُر از مواردی است که در آنها به دین طعنه وارد می‌شود و این باعث شده است که دین حقیقی غریب و طرد شده باشد، الله تعالی کسی است که از او طلب یاری می‌شود و هیچ دگرگونی و قدرتی وجود ندارد، مگر توسط الله تعالی.

فصل دهم

رد انکار کننده‌ی توحید // 51

از اصول گمراهی: تبعیت از تأویل^۱
فاسد و اجتهاد ضعیف است

1 - دو کلمه وجود دارد که به یک معنا نزد مردم می‌باشند و آنها تفسیر و تأویل هستند، این در حالی است که هر کدام از آنها دارای معنای جداگانه‌ای می‌باشند؛ تفسیر به شرح دادن و باز کردن مسأله گفته می‌شود و تأویل به معنای آن است که استنباطی از مطلب شود که چیزی غیر از ظاهر آن می‌باشد. (مترجم)

52 // رد انکار کننده‌ی توحید

کسانی که توحید اسماء و صفات را انکار می‌کنند، می‌پندارند، از آنجا که افرادی که مردم آنها را به خیر و فضیلت می‌شناسند و لقب عالم و فاضل دارند، از این امر در جهالت هستند، در نتیجه این امر نمی‌تواند، دلیلی بر کفر یا ایمان باشد... کسی که این گونه بگوید: در اصلی بزرگ از اصول گمراهی و باطل بودن قرار گرفته است؛ زیرا حق آن چیزی است که الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ آن را

رد انکار کننده‌ی توحید // 53

بیان داشته‌اند و هرچه با حق در مخالفت باشد، باطل است، زی را الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾ [یونس: 32]
(آیا جدای حق چیزی جز گمراهی می‌باشد؟ پس چگونه رویگردان می‌شوند). وقتی گواهی می‌دهیم و ه‌ی - دانیم که عقیده چه است و این سخن حق است و همان چیزی است که الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ آن را بیان داشته‌اند؛ بر ما واجب است تا به

54 // رد انکار کننده‌ی توحید

چیزی گواهی دهیم که الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ به آن گواهی داده‌اند و عالم مجتهد وقتی که در فتوای خود دچار اشتباه می‌شود، عذر دارد، یکسان است که تأویل نموده باشد یا اجتهاد کرده باشد و یا فراموش کرده باشد و یا آن که به آن جاهل باشد و دلیل و حکم برای آن در دست وی وجود داشته باشد. برای مسلمان جایز نیست که حق را ترک کند به این بهانه که فلان گوینده چنین چیزی گفته

رد انکار کننده‌ی توحید // 55

باشد و آن فلان گمراه به آن عمل
نموده باشد و این در حالی است که
آنان با کلام الله تعالی و سخن
فرستاده‌اش ﷺ در تضاد هستند.

تأویل کننده‌ای که مجتهد است، دارای
عذر می‌باشد.

مسلمانان بر این اجماع دارند که کسی
که تأویل می‌کند و این در حالی است
که او مجتهد می‌باشد، مادامی که حق
را می‌خواهد و برای آن تلاش می‌کند،
در اجتهادش دارای عذر می‌باشد و

یکسان است که تأویل او در امور اعتقادی باشد و یا درباره‌ی انجام دادن عملی از امور فقهی باشد. وقتی بر هر مسلمان واجب است که حق را به شکل حقیقی آن بشناسد و حکم الله تعالی را در تمامی مسائل بداند، این برای وی تکلیفی است که در حد توان باید آن را انجام دهد و این گونه است که الله تعالی بر شخصی چیزی را واجب نمی‌گرداند، مگر در حد وسع و توان وی. وقتی عالمی حق را می-

رد انکار کننده‌ی توحید // 57

خواهد و به سوی آن کوشش می‌نماید و در تأویل یا اجتهادش دچار اشتباه می‌شود، او نزد الله سبحانه و تعالی دارای عذر است و این امری است که امت اسلامی بر آن اجماع دارند و آن را از لید بن سخن پیرامبر صلی الله علیه و آله برداشت نموده‌اند: «إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ. وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ»¹ (وقتی حکم

¹ - صحیح بخاری 7352؛ صحیح مسلم

کننده‌ای حکمی را صادر می‌کند و در آن کوشش نموده و اجتهاد می‌نماید، اگر درست باشد، او دو اجر می‌برد و اگر حکم نمود و کوشش نمود و اجتهاد کرد و دچار اشتباه شد، برای او یک اجر خواهد بود). همچن بین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمَ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

رد انکار کننده‌ی توحید // 59

[التوبه: 115] (الله گروهی را که بعد از آن که هدایت یافتند، گمراه نمی‌کند، مگر آنچه را که باید از آن تقوا پیشه کنند را برایشان روشن سازد، الله به هر چیزی آگاه است). ﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

[الاحزاب: 5] (بر شما لیه‌رادی وجود ندارد بر چیزی که در آن اشتباه کرده باشید، ولی [آنجا مؤاخذه می‌شوید] که قلبهایتان در آن عمدی داشته باشند و

60 // رد انکار کننده‌ی توحید

الله بس یار آمرزنده‌ی دائماً رحمت
کننده است).

ابن تیمیه رحمه الله گفته است^۱: جایز
نیست که مسلمانی برای انجام گناهی
کافر خطاب شود و همچنان است
اشتباه کردنی که آن اشتباه در اهل
قبله وجود داشته باشد، الله تعالی می -
فرماید: ﴿آَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ
مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آَمَنَ بِاللَّهِ

¹ - الفتاوی ص 282، ج 3.

رد انکار کننده‌ی توحید // 61

وَمَلَأْنَا كِتَابَهُ وَكُتُبَهُ وَرُسُلَهُ لَأَنْفَرِقُ بَيْنَ
أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿۲۵۸﴾

[البقره: 258] (رسول به آنچه از طرف

پروردگارش بر وی وحی شده است،

ایمان آورده است و تمامی مؤمنان

ایمان آورده‌اند به الله و فرشتگانش و

کتابهایش و رسولانش؛ احدی از

رسولانش را از بقیه جدا نمی‌کنیم و

می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم،

پروردگار ما! ما را بیهامرز و بازگشت

62 // رد انکار کننده‌ی توحید

به سوی توست) و در حدیث صحیح
به ثبت رسیده است که الله تعالی برای
مؤمنان این دعا را مستجاب نمود و
گناهان آنان را آمرزید.

او رحمه الله گریزی زده و می‌گوید:
خوارج کسانی که مانند تیری که از
کمان دور می‌شود، از دین دور می‌-
شوند، کسانی بودند که پیامبر ﷺ امر با
جنگ آنها را داده بود و امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب [رضی الله عنه] یکی از خلفای
راشدین با آنها جنگ نمود و امامان

رد انکار کننده‌ی توحید // 63

دین، شامل صحابه و تابعین و نفرات بعدی از آنها، برای جنگ با آنها اتفاق نظر داشتند و علی بن ابی طالب و سعد بن ابی وقاص و بقیه صحابه آنان را تکفیر نکردند، بلکه آنان را مسلمان نامیدند و در همین حالت با آنان وارد جنگ شدند و با آنها وارد جنگ نشدند، مگر بعد از آن که آنان به ناحق خونی را ریختند و اموال مسلمانان را غارت کردند. با آنها وارد جنگ شدند برای آن که ظلم نموده

بودند و ستم می‌کردند و به علت کفر آنها، با آنها وارد جنگ نشدند؛ به همین دلیل حریم آنها را نشکستند و اموالشان را غنیمت ندانستند. در این حالت بود که در حالی که گمراهی آنان با نص و اجماع معلوم بود، آنان را تکفیر ننمودند حتی با آن که امر الله [تعالی] و فرستاده‌اش [ﷺ] بر جنگ با آنها وجود داشت؛ پس چگونه خواهد بود وضع کسانی که حق بر آن مشتبه شده است و در مسائلی اشتباه کرده

رد انکار کننده‌ی توحید // 65

باشند، آیا کسی از صحابه عالمتر است [تا بر خلاف رفتار آنها، رفتار دیگری را انجام دهد]؟ برای گروهی جایز نیست که گروهی دیگر را تکفیر نموده و آنان را کافر خطاب کنند و جان و مال آنها را حلال بدانند، حتی اگر در بین آنها بدعتی به وجود آمده باشد؟

همچنین وی رحمه الله گفته است:

«اگر مسلمانی درباره‌ی جنگ یا تکفیر تأویلی انجام داد، توسط آن

66 // رد انکار کننده‌ی توحید

تکفیر نمی‌شود، همان گونه که عمر بن خطاب رضی الله عنه درباره‌ی حاطب بن ابی بلتعه گفت: ای رسول الله! اجازه بده تا گردن لیدن منافق را بزنم، پيامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهُ قَدْ شَهِدَ بَدْرًا وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَكُونَ قَدْ أَطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ فَقَالَ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ»¹ (او [جنگ] بدر را مشاهده

¹ - صحیح بخاری 3007 و 4274؛

صحیح مسلم 6557؛ ترمذی 3305.

رد انکار کننده‌ی توحید // 67

کرده است (در آن شرکت کرده است) چه چیز تو را آگاه کرده است، الله تعالی درباره‌ی اهل بدر اطلاع داده است و فرموده است: هر چه می‌خواهید انجام دهید، همانا شما را آمرزیدم)، لاین حدیث در صحیحین آمده است و همچنین حدیث تهمت زدن [به عایشه رضی الله عنها] در آن دو آمده است که اسید بن حضیر به اسعد بن عباد گفت: تو منافق هستی که از منافقان دفاع می‌کنی. و دو گروه

با یکدیگر درگیر شدند و پیامبر ﷺ بین آنها صلح برقرار نمود؛ یکی از اهل بدر به شخص دیگری از اهل بدر گفت: تو منافق هستی و پیامبر ﷺ کسی از آن دو نفر را کافر خطاب ننمود و تکفیر نکرد، بلکه گواهی داد که همگی از اهل بهشت هستند. همچنین در صحیحین از اسامه بن زید آمده است که او مردی را بعد از آن که [در جنگ] لا اله الا الله گفت را کشت و این امر را پیامبر ﷺ به شکل

رد انکار کننده‌ی توحید // 69

بزرگی [جرم] معرفی نمود و فرمود:
«يَا أُسَامَةَ أَقْتَلْتَهُ بَعْدَ مَا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»
(ای اسامه! آید او را بعد از آن
که لا اله الا الله گفت، کشتی) اسامه
گفت: او فقط برای نجات یافتن آن را
گفت، پیامبر ﷺ فرمود: «أَقْتَلْتَهُ بَعْدَ مَا
قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (آید او را بعد از
آن که لا اله الا الله گفت، کشتی)،
پیامبر ﷺ این سخن را بسیار تکرار
نمود تا جایی که اسامه رضی الله عنه گفت: آرزو
کردم که ای کاش تا آن روز مسلمان

70// رد انکار کننده‌ی توحید

نشده بودم^۱. ولی با این وجود برای او قصاص، دیه و کفاره واجب نشد، زیرا او در تأویل خود دچار اشتباه شده بود و این گونه پنداشته بود که او برای نجات یافتن و از روی دروغ لا اله الا الله گفته بود و از این رو قتل او را جایز دانسته بود. این چنین بود که بعضی از پیشینیان با بعضی دیگر در

¹ - صحیح بخاری 4296 و 6862؛

رد انکار کننده‌ی توحید // 71

جنگهای جمل و صفین و دیگر جنگها، این گونه رفتار نموده بودند و تمامی آنها مؤمن و مسلمان هستند، همان گونه که الله تعالی می فرماید:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: 9] (اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر وارد جنگ

شدند، پس بین آنها صلح برقرار کنید
و اگر یکی از آنها بر دیگری ستم
نمود، با آن گروه که ستم نموده‌اند
وارد جنگ شوید تا آن که به امر الله
بازگردند و وقتی بازگشتند بین آنها با
عدالت صلح برقرار کنید و عدالت را
رعایت کنید که الله عادلان را دوست
می‌دارد). الله تعالی بیان می‌فرماید: با
آن که آن دو گروه با یکدیگر وارد
جنگ شده‌اند و گروهی بر گروه دیگر
ستم نموده‌اند ولی برادران ایمانی می-

رد انکار کننده‌ی توحید // 73

باشند و امر فرموده است که بین آنها با عدالت صلح برقرار کنید، به هم بین دلیل پیشینیان با وجود آن که بعضی با بعضی دیگر وارد جنگ شدند، ولی با یکدیگر دوستی دینی داشتند و به مانند دشمنی با کافران، با یکدیگر دشمنی ننمودند و بعضی گواهی بعضی دیگر را قبول می‌کردند و بعضی از بعضی دیگر علم می‌آموختند و از یکدیگر ارث می‌بردند و با یکدیگر ازدواج می‌کردند و به مانند مسلمانان

با یکدیگر معامله می‌نمودند و این با وجود آن بود که با یکدیگر وارد جنگ شده بودند و بر یکدیگر تلاعن می‌کردند». سخن ابن تیمه رحمه الله اینجا تمام شد.

جایز نیست از خطای علماء تبعیت صورت گیرد:

وقتی مجتهد [در اشتباه خود] عذر دارد و اجر می‌برد و تأویل کننده نیز این چنین است، برای ما جایز نیست که از آنها در خطای آنها، وقتی فتوای

رد انکار کننده‌ی توحید // 75

آنان با قرآن و سنت در تضاد است
تبعیت کنیم. به همین دلیل امام شافعی
گفته است: «مسلمانان بر این اجماع
دارند که برای مسلمان جایز نیست که
وقتی برای او روشن شد که امری که
با سنت رسول الله ﷺ تضاد داشت،
آن [سنت] را به تبعیت قولی از علماء
ترک کند، آن عالم هر که می‌خواهد
باشد»، پس چگونه خواهد بود وقتی
برای ما از طریق قرآن و سنت، روشن
شد، فکر عالمی اشتباه است، ولی با

این احوال از او تبعیت صورت گیرد؟
به همین دلیل به کسی که می‌خواهد
حقایق دین جاری شود در حالی که
به پندار خودش از بعضی از تأویل‌ها
و فتواها تبعیت می‌کند، می‌گوییم: اگر
اعتقاد داری این تأویلات حق است از
آنها تبعیت کن! و اگر عقیده داری
باطل است، بر تو واجب است که از
آنها دوری کنی. کسی که تأویل می‌-
کند اگر از علمای اسلام باشد و حق
را بخواهد و برای آن کوشش نماید،

رد انکار کننده‌ی توحید // 77

نزد الله تعالی عذر دارد. وای وقتی
حق برای ما روشن شد و آن را برای
تبعیت از فلان شخص، ترک نمودیم،
دیگر عذری برای ما وجود ندارد.

قول جایز بودن تبعیت از خطای
علماء از بزرگترین اصول گمراهی
است:

در انتها: شکی وجود ندارد که وقتی
معلوم می‌شود، سخن علماء یا فقهاء
اشتباه است، جایز بودن تبعیت از آن
از بزرگترین اصول گمراهی است،

78 // رد انکار کننده‌ی توحید

زیرا اگر این امر جایز باشد، عقیده و قوانین دین به کلی عوض می‌شود. فتوا داده شده است که اگر آب یافت نشد، نماز دیگر واجب نیست و همچنین بعضی صیغه را جایز دانسته‌اند و یا آن که معراج و اسراء پیامبر ﷺ در خواب صورت گرفته است و به این که می‌توان قسم را شکست و به پیامبر ﷺ توسل یافت و با مادر کسی که با او زنا صورت گرفته است می‌توان ازدواج کرد و همچنین نوشیدن

رد انکار کننده ی توحید // 79

شرابی که از انگور گرفته نشده است، جایز می باشد و همچی ن ن تحریفات بس یاری که در صفات الله تعالی و اسمهای او وجود دارد. تمامی لاین موارد در علماء و صحابه رضی الله عنہم پیدا می - شود، پس چگونه خواهد بود وضع ما، اگر به توان از این فتواها تبعیت نمود و در واقع تمامی دین تغییر می یابد چه در عقیده و چه در شریعت.

فصل سوم:

آثار ایمان به صفات الله تعالی

در قلب مؤمن

الله عَزَّ وَجَلَّ به ما امر فرموده است تا به او سبحانه ایمان بیاوریم، همان گونه که به ما امر فرموده است که به فرشتگانش، کتابهایش و رسولانش و آخرت و قضاء و قدر، ایمان بیاوریم. شکی وجود ندارد که ایمان به الله تعالی بزرگترین رکن ایمان در برابر بقیه‌ی ارکان ایمان است و تمامی

رد انکار کننده‌ی توحید // 81

ارکان دیگر به رکنِ ایمان به الله تعالی
باز می‌گردد.

از آنجا که ما الله تعالی را نمی‌بینیم و
هرگز در دنیا او را نخواهیم دید، همان
طور که پیدامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:
«واعلموا انکم لن تروا ربکم حتی
تموتوا» (بدانید که هرگز پروردگارتان
را نمی‌بینید، مگر بعد از مرگ) رواه

بخاری (بخارایی)^۱ ... به همین دلیل الله سبحانه و تعالی خودش را برای ما توصیف فرموده است و ما را باخبر ساخته است که که ذات او بالا [و اعلی] می‌باشد، تا اولاً آن را تصدیق کنیم و درباره‌ی او سبحانه به چیزی

¹ - استناد این حدیث به صحیح بخاری (بخارایی) توسط نویسنده صورت گرفته است، من فقط آن را در سنن ابن ماجه 4077 یافتم. (مترجم)

رد انکار کننده‌ی توحید // 83

گواهی دهیم که خودش به آن گواهی داده است، تا تصدیقی باشد بر چیزی که خودش را به آن توصیف نموده است و اثری بر قلب ما بگذارد و لاین همان ایمان است. در اینجا است که وی سبحانه ما را با خبر می‌سازد که او معبود بر حق یکتایی است که نه زاییده است و نه زاده شده است و همتا و هم درجه‌ای برای او وجود ندارد، این برای ما لازم می‌گردد تا فقط او را به دعایی بخوانیم و فقط او

84 // رد انکار کننده‌ی توحید

را بپرستیم و او را به تنهایی هدف و
قبله قرار دهیم و برای او شریکی قرار
ندهیم و به غیر از او کسی را به
دعایی نخوانیم تا شبیه او گردد، زیرا
هر چیزی غیر از او، به وجود آمده و
ایجاد شده می‌باشد و نباید آن را شبیه
و همانند او قرار داد. همچنین وقتی او
سبحانه ما را با خبر می‌سازد که
الرحمن و الرحیم است، اثری بر قلب
ما می‌گذارد که همان محبت وی و
طمع به آمرزش او و رضایتمندی وی

رد انکار کننده‌ی توحید // 85

است و قلب هر مسلمانی را آماده می‌کند که به سوی وی بشتابد. همچنین وقتی الله سبحانه و تعالی ما را باخبر می‌سازد که ذات او اعلی و بالاتر است و او مسلط و دارای انتقام و صاحب عذاب شدید است، این اثری بر قلب مؤمن می‌گذارد که همان ترس از وی و بزرگداشت اوست و باعث می‌شود تا مرزهای وی و اوامرش مورد توجه قرار گیرد. این چنین است که هر اسمی از اسمهای

الله تعالی و هر صفتی از صفاتش جل و علا اثری بر قلب بندگان مؤمنش می‌گذارد.

با هر صفتی از صفات الله تعالی اثری بر قلب مؤمن ایجاد می‌گردد:

بعضی از جاهلان می‌پندارند که هر صفتی که الله تعالی خود را با آن توصیف فرموده است و یا پیامبر صلی الله علیه و آله او را به آن صفت، توصیف نموده است، اثری بر ایمان ندارد و اهمیت برای بیان آن و حس کردن با قلب وجود

رد انکار کننده‌ی توحید // 87

ندارد و برای مؤمن یکسان است که آن را بشناسد و یا به آن آگاهی نداشته باشد و یکسان است که آن را انکار کند و قبول نماید؛ لکن امری است که مربوط به زنادقه و کسانی است که از سخنها تبعیت می‌کنند و آنان را فلاسفه نامیده‌اند، کسانی که الله تعالی را با صفاتی از جانب خودشان توصیف می‌نمایند و آنچه را که الله تعالی خود را به آن توصیف فرموده است و یا رسول صلی الله علیه و آله به آن اشاره داشته

است را انکار می‌کنند و با آن لجبازی می‌نمایند.

شکی وجود ندارد که هر صفتی که در قرآن و یا سنت آمده است، الله تعالی برای آن حکمت، منفعتی و هدفی در نظر گرفته است، اگر این در نظر گرفتن برای بیان آنها وجود نداشته باشد، سخن الله تعالی و سخن رسولش ﷺ عبث، بیهوده و زیادی می‌شوند. کسی که بیندارد که الله تعالی سخنی زیادی آورده است و بیان آن

رد انکار کننده‌ی توحید // 89

فایده‌ای ندارد و در ورای آن هدفی وجود ندارد و دارای اهمیت نمی‌باشد،
الله تعالی را به نقصان و سخن بیهوده
متهم ساخته است و لیدن درباره‌ی
تمامی آنچه الله تعالی از آن سخن
گفته است، وجود دارد. پس سخن
گفتن درباره‌ی تمامی آنچه که الله
تعالی از آن سخن گفته است تا
خودش را توسط آن بزرگ کند و
مخلوقاتش ذات والا و صفات
درخشان او را بشناسند، چگونه

خواهد بود؟ شکی وجود ندارد که وقتی الله تعالی با صفتی خود را توصیف می‌نماید، ما را به سوی امر بزرگی از ایمان هدایت می‌کند و آن ایمان به وی سبحانه و تعالی است.

در اینجا به بعضی از صفات رجوع می‌کنیم که بعضی از جاهلان و لجبازان به آن اهمیت نمی‌دهند و عقیده دارند جهل به آن ضرر نمی‌رساند، همان طور که شناخت آن نفعی نمی‌رساند:

رد انکار کننده‌ی توحید // 91

الف: لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (چرت و خواب او را نمی‌گیرد):

الله تعالی خود را در آیات که پیامبر ﷺ آن را عظیم‌ترین آیه‌ی قرآن خوانده است و این سخن پیامبر ﷺ در صحیحین می‌باشد^۱، خود را توصیف فرموده است به این که او را چرت و خواب فرا نمی‌گیرد و الله سبحانه می‌-

¹ - صحیح مسلم 1921؛ سنن ابوداود

فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ﴾ [البقرة: 255]
(الله، معبود بر حق ی جز او وجود
نداشته و او زنده، برپا و برپا دارنده
است، او را چرت و خواب فرا نمی-
گیرد). شکی وجود ندارد در این که
الله تعالی خواب و پایین‌تر از آن را از
خود نفی نموده است، دلیل بر
قیومیت^۱ و کمال زنده بودن وی هـی-

¹ - قیوم دو معنا دارد: یکی قائم به ذات

رد انکار کننده‌ی توحید // 93

باشد و این امر عدم ناقص بودن و غفلت را می‌رساند، همان گونه که الله

به معنای آن که اگر او «الرحمن» (بسیار رحمت کننده است) کسی او را این گونه قرار نداده است و این ذات اوست که دارای چنین صفتی است و بهترین کلمه برای این معنا «برپا» می‌باشد؛ دوم: تمامی حرکت آسمانها و زمین و آنچه در آنها است و برپا داشتن آنها توسط وی صورت می‌گیرد که بهترین کلمه برای این معنا، «برپا دارنده» است. (مترجم)

تعالی می‌فرماید: ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى﴾ [طه: 52] (پروردگار من گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند). همچنین رسول الله ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنَامُ وَلَا يَنبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ»¹ (الله نمی‌خوابد و شایسته‌ی او نمی‌باشد تا بخوابد، [ترازوی] عدالت را پایین می‌آورد و

¹ - صحیح مسلم 463؛ سنن ابن ماجه

رد انکار کننده‌ی توحید // 95

بالا می‌برد). اگر گوینده‌ای بگوید: فایده‌ای در بیان این آیات و احادیث وجود ندارد، خواهیم گفت: در بیان قیومیت الله سبحانه و تعالی، کمال زنده بودن، عدم ایراد داشتن و عدم فراموشی و غفلت در ذات وی وجود دارد، در ایمان آوردن به آن، شکی وجود ندارد که بر قلب مؤمن اثر می‌گذارد و مؤمنی که به آن گواهی دهد در قلب او بزرگی شأن الله تعالی ایجاد می‌گردد و او می‌فهمد که باید از

96 // رد انکار کننده‌ی توحید

الله تعالی بترسد و در هر زمانی از شبانه روز که دعا می‌کند، صدای او را می‌شنود و از وی سبحانه عمل ه پیچ عمل کننده‌ای، چه خیر باشد و چه شر^ر پنهان نمی‌ماند...

ب- الله تعالی دارای دست می‌باشد:

از صفاتی که نفی کنندگان با آن لجاجت می‌کنند و در قدیم زنادقه آن را انکار می‌کردند، این است که الله تعالی خود را این گونه توصیف فرموده است که دارای دو دست می-

رد انکار کننده‌ی توحید // 97

باشد، این مدحی است که الله تعالی در آیات بسیار از کتابش خود را توسط آن ستوده است و پیامبر ﷺ نیز با این صفت در احادیث بسیاری او را مدح نموده است، از آیات این سخن الله تعالی می‌باشد: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المُلْك: 1] (پُر برکت است کسی که محل پادشاهی در دست او می‌باشد و او بر هر کاری تواناست). همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿[الزمر: 67]﴾ (و

آنچنان که حق شناختن الله است او را
نشناخته‌اند، تمامی زمین در روز
قیامت در مشت او خواهد بود و
آسمانها با دست راست او درهم
پیچیده می‌گردد و پاک و منزّه و بلند
مرتبه‌تر از آنچه است که شرک می‌-
ورزند). همچنن الله تعالی خود را
مدح نموده و بیان می‌دارد که

رد انکار کننده‌ی توحید // 99

بافضیلت‌ترین مخلوقی که آفریده است و او را بر بندگی آدم فضیلت بخشیده است، کسی است که با دو دستش او را آفریده است؛ الله تعالی به ابله‌یس می‌فرماید: ﴿مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدِي﴾ [ص: 75]

(چه چیز تو را منع نمود تا بر چیزی که با دو دستم او را آفریده‌ام، سجده نکنی؟). همچنان وقت‌ی یهودیان الله سبحانه و تعالی را متهم نمودند که انفاق نمی‌کند و بخیل است و گفتند:

100 // رد انکار کننده ی توحید

﴿يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾ [المائدة: 64] (دست

الله بسته است)، الله سبحانه و تعالی آن

را رد نموده و می فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ

مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾

[المائدة: 64] (بلکه دو دست او باز

است و هر گونه بخواهد انفاق می

کند).

همچنین احادیث بسیاری آمده است

که الله تعالی به این صفت، ستایش

شده است و آنان بسیاری عطا نمودن

الله تعالی و قدرتش و عظمتش را

رد انکار کننده‌ی توحید // 101

می‌رساند، از آنها این سخن پی‌امبر ﷺ در حدیثی است که بخاری (بخارایی) و مسلم او را از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند، پیامبر ﷺ فرموده است: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفِقْ أَنْفِقْ عَلَيْكَ»¹ (الله عزوجل فرموده است: انفاق کن! تا بر تو انفاق کنم)، همچنان پی‌امبر ﷺ

¹ - صحیح بخاری 4684 و 5352؛

صحیح مسلم 2356؛ سنن ابن ماجه

فرموده است: «يَدُ اللَّهِ مَلَأَى لَا تَغِيضُهَا
نَفَقَةً، سَحَاءُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»^۱ (دست الله،
پُر است و انفاق، چیزی از آن، کم
نمی‌کند. او شب و روز می‌بخشد).
همچنین پیامبر ﷺ فرموده است:
«أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مِنْذُ خَلْقِ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ؟ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ،

¹ - صحیح بخاری 4684 و 7411 و

7419؛ صحیح مسلم 2356؛ سنن ابن

رد انکار کننده‌ی توحید // 103

وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ، وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ
يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ^۱ (آیا نمی‌بینید که از
بدو آفرینش آسمانها و زمین، چقدر
انفاق فرموده است؟ ولی چیزی از
آنچه در دست دارد، کم نشده است. و
عرش او بر روی آب، قرار دارد.
ترازو در دست اوست، (رزق یا مقام
را) کم و زیاد می‌کند).

¹ - صحیح بخاری 4684؛ صحیح مسلم

این دلیلی بر بیان عظمت عطا نمودن
الله تعالی و وسیع بودن بخشش است
و دستِ کریم او جل و علا، دائماً عطا
می کند و انفاق می نماید و لیدن شبیه
این سخن پیامبر ﷺ است که فرموده
است: «مَا تَصَدَّقَ أَحَدٌ بِصَدَقَةٍ مِنْ
طَيِّبٍ - وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِلَّا الطَّيِّبَ - إِلَّا
أَخَذَهَا الرَّحْمَنُ بِيَمِينِهِ وَإِنْ كَانَتْ تَمْرَةً
فَتَرَبُّوا فِي كَفِّ الرَّحْمَنِ حَتَّى تَكُونَ

رد انکار کننده‌ی توحید // 105

أَعْظَمَ مِنَ الْجَبَلِ كَمَا يُرَبِّي أَحَدَكُمْ فَلَوْهُ
أَوْ فَصِيلَهُ»^۱ (کسی که از مال پاک
خود صدقه‌ای دهد - و الله جز پاک
را قبول نمی‌کند - مگر آن که [الله]
بسیار رحمت کننده آن را در دست
راست خود می‌گیرد، حتی اگر یک
خرما باشد، پس آن در کف دست

¹ - صحیح مسلم 2389؛ سنن ترمذی

661؛ سنن نسائی 2525؛ سنن ابن

بسیار رحمت کننده رشد می‌یابد تا این که از کوه بزرگتر می‌شود، همان گونه که یکی از شما کره اسب یا بچه شتر خود را پرورش می‌دهد).

در این حدیث داشتن کف دست به اثبات رسیده است و بخشش عظیم الله سبحانه و تعالی و نیکوکاری اش و این که او از بندگانش صدقه دادن را قبول می‌کند و آن را رشد می‌دهد و بر اساس آنچه رشد داده است به حساب آنها رسیدگی می‌کند، شکی نیست که

رد انکار کننده‌ی توحید // 107

این امر بر قلب مؤمن تأثیر می‌گذارد و محبت الله تعالی و رضایت‌مندی وی را در قلب قرار می‌دهد.

درباره‌ی قدرت الله سبحانه و تعالی و جبروت و گرفتنش، پیامبر ﷺ فرموده است: «اللَّهُ يَقْبِضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَرْضَ وَتَكُونُ السَّمَوَاتُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ» [بخاری (بخارایی) از ابن عمر رضی الله عنهما: 7412] (الله در روز قیامت زمین را در مشت خود می‌گیرد و آسمانها در دست راست او خواهد

بود، سپس می‌فرماید: [فقط] من پادشاه هستم) و در روایتی دیگر آمده است: «فيجعلهما في كفة ثم يرمى بهما كما يرمى الغلام بالكرة»¹ (پس آن دو را در کف دست قرار می‌دهد و آنان را پرتاب می‌کند، همان گونه که پسر بچه توپ را پرتاب می‌کند).

¹ - آدرس این حدیث را پیدا

رد انکار کننده‌ی توحید // 109

اینجاست که عظمت الله تعالی و کمال قدرتش بیان می‌شود و آن لیدن است که آسمانها و زمین در روز قیامت در دست راست او خواهد بود.

همچنین بخاری (بخارایی) و مسلم از ابن مسعود رضی الله عنه روایت کرده‌اند که شخصی یهودی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! ما این گونه یافته‌ایم که الله [تعالی] آسمانها را بر یک انگشت و دو زمین را بر یک انگشت و درخت را بر یک انگشت و آب و

خاک را بر یک انگشت و بقیه‌ی مخلوقات را بر یک انگشت قرار داده است، در این هنگام بود که پیامبر ﷺ خندید تا آن که دندانهایش نمایان شد و این از روی تصدیق آن بزرگ دینی یهودیان بود، سپس رسول الله ﷺ قرائت فرمود: ﴿ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ [الزمر: 67] (و آنچنان که حق شناختن الله است او را

رد انکار کننده‌ی توحید // 111

شناخته‌اند، تمامی زه بین در روز
قیامت در مشیت او خواهد بود و
آسمانها با دست راست او درهم
پیچیده می‌گردد و پاک و منزه و بلند
مرتبه‌تر از آنچه است که شرک می‌-
ورزند)¹.

¹ - صحیح بخاری 4811 و 7414 و
7415 و 7451 و 7513؛ صحیح مسلم
7223 و 7225 و 7226؛ سنن ترمذی
3238.

112 // رد انکار کننده‌ی توحید

شکی نیست که اثر این صفت بر قلب مؤمن بس‌یاری بزرگ است، زیرا در قلب، ترس از الله تعالی و پرهیز و بزرگداشت امر و شأن او حاصل می‌شود، او پادشاهی است که بر زیر دستان خود مسلط است و کسی از دست او نمی‌تواند فرار کند و پناهگاهی وجود ندارد، مگر با روی کردن به سوی وی.

رد انکار کننده‌ی توحید // 113

دعوت کنندگانِ خواهانِ حکومت
اسلامی درباره‌ی این صفات کجا
هستند؟

دعوت کنندگانی که قصد حاکمیت [الله
تعالی] را دارند، کسانی که غیر از این
صفات [که الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ]
آن را بیان نموده‌اند را نمی‌پذیرند،
درباره‌ی آنها تعقل کرده و آن را بین
امت نشر می‌دهند، بزرگترین کمک
باید به آنها شود تا مردم را نسبت به
پروردگارشان متذکر شوند و باعث

اطاعت مردم از اوامر الله تعالی و دوری کردن آنها از آنچه نهی نموده است، شوند. باید پادشاهانی که بر روی زمین زورگویی می‌کنند، کسانی که برای خودشان و مردمشان چیزی را قانون می‌کنند که الله تعالی آن را قانون ننموده است، را نزد مردم خوار کنند! تا آنجا که می‌توانند در مردم، نسبت به تبعیت از طاغوت‌ها تنفر ایجاد کنند و حکم را به پادشاه

رد انکار کننده‌ی توحید // 115

مسلطی ارجاع دهند که آسمانها و زمین در دست او است.

ولی متأسفانه یکی از آنها در خطبه -

اش می گوید: نمی دانم چگونه برای الله

تعالی دست قرار دهم، نمی دانم، نمی -

دانم که این مسأله چگونه تمام خواهد

شد؟ نمی دانم چه عملی را برای این

عقیده وضع کنم؟ ما می گوییم: وقتی

نمی دانی، چرا ایراد می گیری؟ وقتی

جهل داری چرا مسلمانان بلید از

جهل تو متحمل ضرر شوند؟

کوچکترین کسانی که علم کسب می‌کنند، آن را می‌دانند. الله تعالی خودش گواهی داده است و رسول نیز گواهی داده است و الله را صاحب بزرگی و شوکت قرار داده‌اند، چون او صاحب این بزرگی و شوکت می‌باشد. بعد از این به مسلمانان ضرری نمی‌رسد که بعد از گذشت زمانی نسبت به صفات الله تعالی کسی دارای جهل باشد و یا در قبول کردن آن لجبازی کند و یا در آن شک نماید و همواره گروهی بر

رد انکار کننده‌ی توحید // 117

حق خواهند بود و کسی که با آنها
مخالفت می‌کند و می‌خواهد آنان را
خوار کند، ضرری به آنها نمی‌رساند،
تا این با آخرین شخص آنها وارد
جنگ می‌شوند که همان دجال است.
شکر و ستایش برای الله، پروردگار
جهانیان است.

فصل چهارم

راه و روش و منهج قرآن درباره‌ی
ثابت کردنِ ستونهای ایمان
باطل‌گرایان می‌پندارند، توجه به ثابت
نمودن رکن‌های عقیده و دفاع از
قسمتهای آن و از بین بردن شبهات
اشخاص گمراه یا انحراف پیدا کرده،
مشغولیت درست می‌کند و مسلمانان
را از راه درست منحرف می‌گرداند و
غُلوی نکوهیده می‌باشد. به این نیز

رد انکار کننده‌ی توحید // 119

کفایت نمی‌کنند بلکه بر کتابهای
علمای اهل سنت ایراد وارد کرده و بر
کتاب عقیده‌ی طحاوی و کتاب
عقیده‌ی واسطیه ایراد وارد می‌کنند و
مشغول شدن به کتابها و مانند آنها را
مفسده و گمراهی و تندروی و طعنه
وارد کردن می‌دانند؛ کتابهایی که الله
تعالی توسط آنها در قرنهای گذشته
مسلمانان را از شرک و بت پرستی
حفظ نموده است، مسائل زشتی که
بعد از زمان نبوت ایجاد گردید و

120 // رد انکار کننده‌ی توحید

لباس اسلام به خود پوشاند. آن باطل گرایان در گمراه ساختن و فریب دادن کوشش نموده و می‌پندارند که راه قرآن همان طور که بیان شد، نمی‌باشد، در مردم این پندار را ایجاد می‌کنند که قرآن عقیده را بیان ننموده است و برای باطل گرایان دلیل نمی‌آورد و شبهات را رد نمی‌نماید و بیشتر کسانی که این سخنان را به زبان می‌آورند، فهمی از قرآن و سنت و سیره‌ی صحابه و پیشینیان ندارند؛ این

رد انکار کننده‌ی توحید // 121

در حالی است که آنان باید عمر خود را در دفاع از عقیده‌ی اسلامی در برابر قبولِ باطلِ گرایان و تأویلِ فساد کنندگان حفظ کنند. به هم‌بین دلیلی دوست دارم تا قسمتی از راه و روش و منهج قرآن را در رد نمودن شبهه‌های دشمنان و ثابت نمودن پایه‌های ایمان نزد مؤمنان را بیان دارم.

اول: قرآن سندی برای عقیده است:
برادران بدانید که قرآن تقریباً به طور کامل سندی برای عقیده است، و ملت

122 // رد انکار کننده‌ی توحید

و دین را در زمان نزولش ترک نکرده است، مگر آن که برای ردّ عقاید آنها دلیل آورده است و جواب سوالهایشان را داده است و سخنان آنها را سبک کرده است. منهج و راه و روش قرآن در تثبیت عقیده‌ی اسلامی بر دو نوع است:

اول: با خبر ساختن از الله تعالی و ملائکش و کتابهایش و پیمبرانانش و آخرت، مانند آنجا که الله تعالی درباره‌ی خودش می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا

رد انکار کننده‌ی توحید // 123

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ
وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا
بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا
شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿

[البقرة: 255] (الله کسی است معبود

برحقى جز او وجود ندارد و او زنده،

برپا و برپا دارنده است، چرت و

خواب او را فرا نمى‌گیرد [و] آنچه در

آسمانها و زمین است برای اوست، چه کسی می‌تواند نزد او شفاعت کند، مگر به اجازه‌ی او؟ آینده و گذشته‌ی آنان را می‌داند و به چیزی از علم او دست نمی‌یابند، مگر آنچه را که خود بخواهد، کرسی او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و نگهداری آنها برای او مشکل نیست و او بلند مرتبه‌ی بزرگ و با شکوه است).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

رد انکار کننده‌ی توحید // 125

هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ
الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿

[الحشر: 22-23] (او الله است کسی

که هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی جز
او وجود ندارد، او داننده‌ی عالم غیب
و آشکار است، او بس یار رحمت-
کننده‌ی دائماً رحمت کننده است * او
الله است که پرستش شونده‌ی بر حقی
جز او وجود ندارد، او پادشاه، بس یار

مقدس، بی‌عیب و نقص، امان دهنده و
امنیت بخشنده، نگهبان، بسیار با
عزت، مسلط و فرازمند است؛ پاک و
منزه است از آنچه شرک می‌-
ورزند). همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ
اللَّهُ أَحَدٌ (1) اللَّهُ الصَّمَدُ (2) لَمْ يَلِدْ
وَلَمْ يُولَدْ (3) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
(4)﴾ [اخلاص] (بگو او الله [در ذات
و مقام عبادت شدن و صفاتش] واحد
است * تمامی موجودات به وی نیاز
دارند * نزیایده است و نه زاده شده

رد انکار کننده‌ی توحید // 127

است * و هم کف و هم رتبه‌ای برای
وی وجود ندارد). [تمامی این آیات
درباره‌ی توحید اسماء و صفات هـ ی -
باشد].

همچنین درباره‌ی ملائک هـ ی فرماید:
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أجنحةٍ
مثنى وثلاث ورباع...﴾ [فاطر: 1] (شکر
و ستایش برای الله است که آسمانها و
زمین را آفریده است، ملائک را
فرستادگانی قرار داده است که دارای

بالهای دوگانه و سه گانه و چهار گانه می‌باشند...)، این چندین است آیاتی درباره‌ی پیامبران و رسولان و همچنین از روز قیامت [و آخرت] و آنچه در آن است.

اما راه روش دیگری که در قرآن برای تثبیت ستون‌های عقیده وجود دارد، ردهای بسیاری است که بر شبهات افراد گمراه وارد می‌کند. قرآن برای کافرانِ مشرک عرب در عقاید آنها استدلال وارد می‌کند و شبهه‌های آنان

رد انکار کننده‌ی توحید // 129

را ردّ می‌کند و این چنین است دلیل آوردن آن برای مسیحیان، یهودیان و ملحدان، عقاید آنها را بیان می‌دارد و بر آن ردّ وارد می‌کند و ادعاهای دعوت‌های آنان را باطل می‌گرداند؛ یکسان است این عقاید درباره‌ی صفات الله سبحانه و تعالی باشد و یا به ملائک اختصاص یابد یا پد امبران یا قضاء و قدر. وقتی مشرکان نسبت فرزند داشتن به الله تعالی دادند و گفتند: ملائک دختران الله هستند و

همچنین وقتی مسیحیان لیدن نسبت
فرزند الله تعالی بودن را به عیسی علیه السلام
دادند و یا یهودیان لیدن نسبت را به
عزیر علیه السلام دادند، الله تعالی در رد آنها
فرمود: ﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا
سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ
بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ * يَعْلَمُ مَا
بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا
لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾

[الانبياء: 26-28] (و می‌گویند: [الله]

بسیار رحمت کننده فرزندی بر گرفته

رد انکار کننده‌ی توحید // 131

است، بلکه آنان بندگانی گمراه‌ی هستند * در سخن گفتن از وی پیشی نمی‌گیرند و آنها به امر او عمل نمی‌کنند * آنچه در آینده و گذشته‌ی آنان است را [الله تعالی] نمی‌داند و برای کسی شفاعت نمی‌کنند، مگر کسی که [الله تعالی] از او راضی است و آنان از خشایه‌ی^۱ وی در هراس هستند).

¹ - ترس از ابهت و عظمت را خشایه

کافران پنداشتند که الله تعالی برای
زنده کردن آنها بعد از مرگشان، ناتوان
می‌باشد، الله تعالی در جواب آنها
فرموده است: ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ
خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ
* قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ
وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ * الَّذِي جَعَلَ
لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ
مِنْهُ تُوقِدُونَ * أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ
يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾

رد انکار کننده‌ی توحید // 133

[یس: 78-81] (و برای ما مثالی می -
زند و آفرینش خودش را فراموش
می‌کند [و] می‌گوید: چه کسی این
استخوانها را زنده می‌کند، در حالی که
پوسیده‌اند؟ * بگو: کسی آنها را زنده
می‌کند که آنها را بار اول آفریده است
و او به هر مخلوقی عالم می‌باشد *
کسی که از درخت سبز برای شما
آتشی قرار داد که شما از آن روشن
می‌کنید * آیا کسی که آسمانها و
زمین را آفریده است، قادر نمی‌باشد

134 // رد انکار کننده‌ی توحید

که مانند آنها را خلق کند؟ بله او
آفریننده‌ی بسیار دانا است). همچن
یهودیان الله تعالی را به انفاق نمودن
متهم ساختند و گفتند: ﴿يَدُ اللَّهِ
مَغْلُوبَةٌ﴾ [المائدة: 64] (دست الله بسته
است)، الله سبحانه و تعالی آن را رد
نموده و می‌فرماید: ﴿بَلْ يَدَاهُ
مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ﴾
[المائدة: 64] (بلکه دو دست او باز
است و هر گونه بخواهد انفاق می‌-
کند). همچنین [یهودیان و مسیحیان]

رد انکار کننده‌ی توحید // 135

گفتند: ما فرزندان الله تعالی هستیم و او ما را دوست می‌دارد و ما را عذاب نمی‌دهد، الله تعالی فرمود: ﴿قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ

1 - ما را عذاب نمی‌دهد از سخنان آنان نمی‌باشد و احتمالاً اشکال چاپی در اصل کتاب موجود بوده است، در ضمن آیه کاملتر از آنچه در اصل کتاب بوده است، آورده شده است. (مترجم)

يَسْأَلُ ﴿[المائدة: 18]﴾ (بگو: پس برای چه [الله تعالی] شما را برای گناهانتان عذاب می‌کند، بلکه شما بشری هستید از آنچه خلق نموده است، هر کس را بخواهد می‌آمرزد و هر کس را بخواهد عذاب می‌دهد). کافران عرب می‌پنداشتند که ملائک و بتها آنان را شفاعت می‌کنند و الله تعالی در برابر آنها فرموده است: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾ [الانبیاء: 28] (و برای کسی شفاعت نمی‌کنند، مگر کسی که

رد انکار کننده‌ی توحید // 137

[الله تعالی] از او راضی باشد) و همچنین فرموده است: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: 255] (چه کسی می‌تواند نزد او شفاعت کند، مگر به اجازه‌ی او؟). وقتی آنان به بهانه‌ی تقدیر دلیل آوردند، به فرستاده‌اش محمد ﷺ رد نمودن آنها را آموزش داد و فرمود: ﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ

عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ
إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ * قُلْ
فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ... ﴿ [الانعام: 148-]

[149] (کسانی که شرک می‌ورزند
خواهند گفت: «اگر الله می‌خواست ما
و پدرانمان شرک نمی‌کردیم و
چیزی را حرام نمی‌کردیم»، این چنین
بود حال کسانی که قبل از آنها [حق و
پیامبران] را تکذیب نمودند، تا این که
عذاب ما را چشیدند، بگو: آیا علم‌ی
نزد شما است؟ پس آن را برای ما

رد انکار کننده‌ی توحید // 139

بیرون بیاورید! فقط از گمان تبعیت
می‌کنید و شما فقط دروغ
می‌گویید * بگو: حجت رسا و بلیغ
نزد الله است...). اگر قرآن را با تدبر
بخوانیم، سوره‌ی بقره را به گونه‌ای
می‌یابیم که در آن صد و شصت آیه
در ردّ شبهه‌های اعتقادی یهود وجود
دارد. همچنین در بیشتر سوره‌ی آل
عمران ردّی بر شبهه‌های مسیحیان و
مشرکان وجود دارد. همچنین در
سوره‌ی النساء و مائده که در آن از

احکام بسیار صحبت شده است، پُر از
ردِّ بر یهودیان و مسیحیان و شبهه‌های
آنان در عقیده است، همچنان در آن
ردِّ بر منافقان است، کسانی که می-
پنداشتند که جایز است از اسلام در
عبادات تبعیت شود و در ارتباطات به
غیر آن رجوع می‌کردند و الله تعالی
بیان فرمود کسی که این گونه فکر
کند، کفر ورزیده است و این گونه
فرمود که ایمان ایجاد نمی‌شود، مگر با
اخلاص داشتن در عبادت الله تعالی و

رد انکار کننده‌ی توحید // 141

دادن حکمیت در اختلافات به الله
تعالی و فرستاده‌اش ﷺ، همان گونه که
الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا
يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ
بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا
مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾
[النساء: 65] (اما، نه! قسم به

پروردگارت! ایمان نمی‌آورند تا این
که در اختلافات و درگیری‌هایشان
حکمیت را به تو بسپارند، و بعد از آن
در درونشان از آنچه حکم نموده‌ای،

ه بیچ تنگی نیابند و ک اماً تسلیم
شوند).

از تمامی این مسائل و هشدارها
معلوم می‌شود که قرآن فقط یک سند
اعتقادی و ایمانی است، بعضی از
علماء آیات فقهی قرآن را فقط
دویست آیه بیان داشته‌اند و بقیه‌ی
قرآن که بیشتر از شش هزار آیه است
تمامی آن درباره‌ی استدلال‌های
اعتقادی است.

رد انکار کننده‌ی توحید // 143

شکی وجود ندارد که قرآن برای عقاید موجود در زمان خود و آنچه را که مردم بعد از نزول آن می‌پندارند، دلیل آورده است، در زمان نزول بر تمامی عقاید باطل زمان خود آورده است و به علاوه‌ی آن، پیامبر ﷺ نیز با مشرکان و یهودیان و مسیحیان بحث نمود و سنت پیامبر ﷺ پر از بحث‌ها و دلیل آوردنهایی است که بر ردّ یهودیان، مشرکان و مسیحیان می‌باشد.



بحث نمودن سلف در زمینہ‌ی

عقیدہ:

این چنین بود عمل پیش پینیان صالح
این امت، وقتی که از شبہ جزیرہ
خارج شدند بہ طایفہ‌ها و ملتہای
زیادی برخورد نمودند، مانند: آتش
پرستان، زنادقہ، فیلسوف‌های ملحد یا
آنچه کہ الہیان نامیدہ می‌شوند. اشتباہ
کردہ است کسی کہ بیندارد شمشیر

رد انکار کننده‌ی توحید // 145

اسلامی تنها پیش برنده‌ی معركة بوده است و تنها چیزی بوده است که بر آن عقاید باطل حکم می‌نمود؛ بلکه در آنجا چیزی همنشین و همراه جنگ با شمشیر بود و آن صحنه‌ی قلم، علم، قرآن و عقیده بود که در آنجا به کمک علمای مسلمان بر علیه دعوت گران بت پرستی، آتش پرستی، زنادقه و ملحدان می‌آمدند. کتابهای بسیاری در ردّ هر انحرافی که در بین مسلمانان

ایجاد شد و از آن امتهای کفر نشأت
می‌گرفت، تألیف شد.

مذاهب کفر و زندیقی محاصر:

کسی که بیندارد که عقاید زنادقه،
آتش پرستی، بت پرستی و سفسطه‌ی
فیلسوفان، امروزه بین مسلمانان از بین
رفته است و نیازی به تدریس رد آنها
و رد بر این عقاید وجود ندارد، اشتباه
کرده است. زیاده‌ی روی درباره‌ی

رد انکار کننده‌ی توحید // 147

اولیاء و صالحان و طواف قبر آنها و
توسل پیدا کردن به آنان و طلب
شفاعت نمودن از آنها، چیزی جز
عقاید بت پرستی نیستند که عوام
مسلمانان و جاهلان آنها و بلکه علماء
و پیشوایان مشهور در بین آنها از آن
عقلی د تأثیر گرفته‌اند و همچنان
کسانی که حاکمان را عبادت می‌کنند
و در اختلافات خود به طاغوت‌ها
رجوع می‌کنند و مقدس دانستن
پادشاهان توسط آنها چیزی نیست،

مگر بت پرستی جدید و شرکی قدیمی
و جدید؛ عموم مسلمانان امروزه از
روی جهل یا عناد در این راه قرار
دارند و صفات الله تعالی را از معنای
حقیقی آن خارج می‌کنند و همچنان
آنچه را که الله تعالی خود را به آن
توصیف نموده است، مانند: داشتن
دست، صورت، دوست داشتن و بغض
ورزیدن، ساق و پا، آمدن، استقرار
داشتن بر عرش، خنیدن و سخن
گفتن به طوری که نزدیک و دور آن

رد انکار کننده‌ی توحید // 149

را می‌شنوند را نفی می‌کنند و کسی
آنها را نفی نمی‌نمود، مگر آن که
زناده در قدیم این عمل را انجام
می‌دادند و در قدیم آن را انتشار دادند
و علمای سنت را متحیر کردند و اهل
سنت را تکفیر نمودند و آنها را به
شرترین شکل کشتند، تبعیت از باطل
آنها تا به امروز ادامه یافت، ادعای
علم نمودند و با عقیده‌ی باطل خود
مسلمانان را رد نمودند و کسی که
عقیده‌ی آنها را نداشت را کافر خطاب

150 // رد انکار کننده‌ی توحید

دادند و تکفیر نمودند و این که کسی
الله تعالی را با آنچه خود او، خود را
توصیف نموده است، توصیف نماید و
نفی نمودن از الله تعالی آنچه را که
خود برای خود نفی نموده است را
تندروی و سختگیری نامیده‌اند.
عقیده‌ی وحدت وجود که عموم
صوفی‌ها به آن اعتقاد دارند، به گویی
عالم اسلامی را فرا گرفته است و آن
عقیده‌ی گاوپرستان و آتش پرستان
می‌باشد. امروز وضع به طوری است

رد انکار کننده‌ی توحید // 151

که فتنه‌های اعتقادی برای مسلمانان مشکل ایجاد نموده است و چه بسا یار کفرهایی وجود دارد که امروزه لباس اسلام بر تن کرده‌اند، می‌خواهند آن را بر مسلمانان واجب کنند، مسائلی مثل: عصمت، رجعت، کافر دانستن صحابه، تحریف قرآن و کوتاهی رسول ﷺ در ابلاغ دین اسلام، آنان چیزی نیستند، مگر ویران‌کننده‌هایی که لباس اسلام بر تن پوشیده‌اند. همچنان مسائلی وجود دارد به مانند جدا کردن قسمتی

از دین و این که دین را فقط شامل عبادت بدانند و جدا کردن مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از آن که نتیجه‌ای نخواهد داشت، مگر ویران نمودن دین و از بین بردن زندگی حقیقی و همچنین خرافات و خزعبلاتی که عقاید مسلمانان را هدف قرار داده است که همان مسائل جاهلی قدیم می‌باشند که رنگ و روی امروزی به خود گرفته‌اند و در برابر تمامی این مسائل لازم است تا

رد انکار کننده‌ی توحید // 153

از دین دفاع گردد و از زبان استفاده
شود و به میدان آن وارد شود. باطل
گرایان امروزه چیزی نمی‌خواهند،
مگر جدا کردن قسمتی از مسلمانان و
[آن مسلمانان] نمی‌دانند که آنها را به
چه سمتی سوق می‌دهند و کدام عقیده
را برای آنها بر می‌گزینند و به کدام
مشرك و زندیقی اقتدا می‌کنند و او را
امام قرار می‌دهند.

شكر الله تعالى، ما در مجال دعوت،
همانی راهی گوییم که الله تعالی

فرموده است و آن این است که الله تعالی بر کسی چیزی را واجب نمی‌-
فرماید، مگر در حد توان او؛ بر عالم امری واجب است که بر دانشجوی مبتدی آن امر واجب نمی‌باشد و امری بر طلب کننده‌ی علم واجب است که بر عوام واجب نمی‌باشد و بر هر کسی آن مقدار دعوت دادن واجب است که الله تعالی برای او ممکن ساخته است. همچنان ما نمی‌گوییم: کسی که کتابهای پیشینیان در رد زنادقه و باطل

رد انکار کننده‌ی توحید // 155

گرایان را نخواند مسلمان نیست، بلکه
می‌گوییم: کسی مسلمان حقیقی
نیست، مگر کسی که به آنچه الله تعالی
درباره‌ی خودش گفته است، ایمان
بیاورد و این ایمان بدون تحریف یا
تشبیه یا تعطیل باشد. کسی که شبهه -
ای برای وی در شناخت حق وجود
دارد، بر ما واجب است تا به او علم
بیاموزیم تا از کفر یا شرک یا زندیق -
گری جدا شود. منهج و راه و روش ما
این گونه است که مسلمانی با اعتقاد

156 // رد انکار کننده‌ی توحید

بسازیم که تا آنجا که می‌تواند از
عقیده‌ی توحید دفاع کند و با عقاید
بت‌پرستی و کفر ستیز نماید.